

دانش پژوه، دانشمند و فهرست نگاری جهانی

ایرج افشار

فرهنگستان زبان و ادب فارسی روز سه شنبه هفدهم خرداد ماه سال ۱۳۷۳ در آیینی از خدمات علمی و فرهنگی دکتر محمدتقی دانش پژوه تجلیل کرد. در بزرگداشت این پژوهشگر گرانقدر آقایان دکتر حسن حبیبی، دکتر مهدی محقق و ایرج افشار سخنرانی کردند. آنچه که می خوانید متن سخنرانی آقای ایرج افشار است در تجلیل از یک استاد و دوست دیرین

نیکبختی من آن بود که ده سال آنگار از خدمت رسمی را در کنار ایشان و در کارفنی کتابداری گذرانیدیم. و از ایشان هر دم نکته ای یاد گرفتم. خوشبختی بیشترم آن که چون کارمان پایان می گرفت شش روز هفته را برای رفتن به خانه، از دانشگاه تا چهارراه کافه شهرداری، همراه بودیم. قدم زنان

که راه می آمدیم باز گفت و گویمان بر سرنسخ خطی، کتاب تازه، رساله نایاب، کراسه مندرس، سند تاریخی، مقاله تحقیقی و مجله های خاورشناسی یا اقوال و آثار بزرگان پژوهش معاصر بود. پس از آن نوزده سالی که من در بخش های دیگر دانشگاه به خدمت رفتم و همچنین در شانزده سال اخیر حقه مهر ایشان بر همان نشان پیشین بر جای بود و دمی و موردی پیش نیامد که از ارشاد و مساعدت و همکاری کوتاهی کند، چه در سفرهای بسیاری که با هم در ایران و کشورهای دیگر داشتیم و چه در خانه یکدیگر یا در کنگره ها و مجلس ها و جلسه های فرهنگی و دانشگاهی و کمیسیون های فنی که مناسب حال و ذوقمان بود. ایشان همیشه و همه جا همه را از گنجینه دانش کم مانند و خزانه حافظه مالا مال خود بهره ور می ساخت و باری نبوده است که درباره نسخه های خطی خاموش مانده باشد. دانش دریایی است که آرامی پذیر نیست. هماره باید موج بر سر آورد تا آنچه در دل نهفته دارد به تشنگان ساحل برساند.

شوق دانش در یافتن نوادر علمی و باز گفتن آنها عشقی است جاودانه و پایان ناپذیر که ذهن و جان او بدان عجیب شده. نه زمان می شناسد نه مکان، نه خاورشناس خارجی و نه ایران شناس

یکی از روزهای پاییز سال ۱۳۲۵ که در دانشکده حقوق درس می خواندم برای یافتن کتابی که جویای آن بودم و نمی یافتم به میزی که آقای محمدتقی دانش پژوه معاون کتابخانه پشت آن نشسته بود و سر در کتابی فرو برده بود نزدیک شدم و سلام کردم. پیش از آن نام ایشان را که بر صدر چند مقاله ای که

در همان سال ها در مجله های جلوه و دانشنامه چاپ شده بود دیده بودم. اما هنوز رو به رو نشده بودیم و سخنی میانمان نرفته بود. دانش در آن روزگار معاون استاد من دکتر محسن صبا بود که روانش شاد باد. میانشان الفتی تمام در حد دوستی وجود داشت. سلام من، دانش را که به ژرفی و شیدایی غرق در مطالعه کتاب بود به خود آورد. به بالا نگریست و به خوشرویی پرسشیم را شنود و مشکل را گشود. بدین صورت که برخاست و شماره کتاب را در برگه دان یافت و به مرحوم مهدی محمد داد تا کتاب را بیاورد. به من هم با مهربانی گفت هر وقت این گونه دشواری داشتید به من مراجعه کنید. اگر کتابی هم بخواهید که نداشته باشیم آن را سفارش می دهیم. وظیفه کتابدار همین است. پس از آن هر بار که به ایشان بر خوردم، سخنمان بیشتر گرمی می گرفت و دامنه می یافت و از مرحله یافتن و دیدن کتاب به مرتبه استفاده علمی از ایشان شد و به پایه ای انجامید که باید بگویم ایشان یکی از استادان من بوده است.

از آن روزگاران تاکنون که چهل و هفت سال می گذرد باری نبوده است که با ایشان صحبتی پیش آمده باشد (حتی تلفنی) و آگاهی نوینی نیاموخته باشم. به قول شاعر «چه به از لذت هم صحبتی دانایی».

خودی. او به هر کجا سفر کرد این ولع و عشق بی کرانه و پایدار را با خود همراه داشت. ناچارم از میان خاطره‌های بسیار زیادی که دارم، چهار حکایت را اگرچه ممکن است برای بعضی خواننده و تکراری باشد بازگو کنم، تا مگر اشارتم رساتر شود.

حکایت اول این است که دکتر زریاب و دانش و مرحوم حسین محجوبی اردکانی از سوی اداره انتشارات دانشگاه برای مشارکت در سمینار نسخه‌های خطی که در کابل برگزار می‌شد به آن جا رفتند. زریاب گفت چون در فرودگاه کابل در تاکسی نشستیم و سر صحبت مان باراننده باز شد دانش بی تابانه از راننده تاکسی که مردی ساده بود پرسید بازار نسخه خطی فروشان کجای شهرست. طبعاً راننده «هاج و واج» ماند و به مطلب دیگری پرداخت.

حکایت دوم روایتی است که از یکی از مهمان داران دانش در باکو شنیده شده است. که گفته بود سالی که فرهنگستان علوم آذربایجان ایشان را دعوت کرده بود پیشاپیش برنامه‌ای را تنظیم کرده بودند که در آن، دیدار از مؤسسات مناسب حال ایشان و ضمناً چند جای گردش و نمایشی هم گنجانیده شده بود. اما دانش با دیدن آن برنامه گفته بود من خواستار سه چیز بیش نیستم. کتابخانه، مسجد و گورستان. به یک کلام به سراغ کتاب آمده‌ام و کتابه (کتیبه).

اتفاق سوم آن که خودم شاهد بودم در لندن روی داد. مرحوم مینوی بود و دانش و احمد اقتداری و من. به کتاب فروشی رفته بودیم. دانش کتابی را آن جا یافت که سال‌ها مشتاق به دست آوردنش بود. چون کتاب را یافت و کتاب فروش در بهای آن هشت پوند خواستار شد او یک اسکناس بیست پوندی داد و بی تابانه به باز کردن کتاب و خواندنش پرداخت. کتاب فروش به جای دوازده پوند، هشت پوند باز پس داد. مینوی که رو به رو ناظر قضیه بود از بی توجهی دانش برآشفتم و گفت آقای دانش پڑوه چرا مواظب نیستید. این آقا باید دوازده پوند به شما بدهد. اقتداری به شوخی گفت آقای مینوی ناراحت مباشید. علت این است که اسکناس‌ها چاپی است نه خطی.

چهارمین حکایتی که عرض می‌کنم مربوط است به سفری که با مرحوم اللهیار صالح و دانش به کاشان می‌رفتیم تا نسخه‌های خطی چند کتابخانه آن جا را ببینیم. پستی بود که از تهران راه افتادیم و چون دیر شب شد برای آرمیدن به سوی باغ برادر صالح در آران که فرسنگی بیش، از شهر کاشان دور دست نیست رهسپار شدیم. راه میان کاشان و آران

که کویری است در آن سال‌ها اسفالته نبود و همیشه رگه‌هایی از ریگ روان آن را می‌پوشید. در تیرگی شب اتومبیل به سختی در ریگ فرورفت و از حرکت باز ماند. ناچار پیاده شدیم. من از گوشه و کنار مقداری شاخه بوته گز و قیچ کندم که زیر چرخ‌ها بخوابانیم تا مگر اتومبیل حرکت کند. دانش که بالای سر من ایستاده بود با نگرانی و التهاب به مرحوم صالح گفت آقای صالح اگر ماشین راه نیفتد فردا چگونه به دیدن فهرست نویسی نسخه‌ها برویم؟ مرحوم صالح گفت آقای دانش پڑوه اکنون به فکر آن باشید که اگر ماشین راه نیفتاد درین صحرا چه باید کرد.

باری این وجود عاشق، اما پرتوان و دانش پرست که در یافتن و دیدن و فهرست کردن و باز نوشتن و چاپ کردن نسخه‌ها و اسناد قدیم کوششی مستمر از سال ۱۳۲۴ (سال انتشار مجله جلوه) تاکنون داشته است (یعنی پنجاه سالی که خواب نبوده است) بیش از پنجاه شصت متن کهن و نزدیک به صد رساله نادر فراموش شده را از میان هزارها عنوان کتاب برگزیده و به چاپ رسانیده و افزون از سیصد مقاله در مجله‌های ایران و جهان نوشته و بی هیچ گزاره چهل پنجاه هزار نسخه خطی را در چهار گوشه جهان دیده و برای یافتن آگاهی درباره آنها به هزارها کتاب و مقاله در زبان‌های عربی و فارسی و ترکی و روسی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ایتالیایی حتی گرجی و ارمنی و چه بسا زبان‌های دیگر نگریسته و چنان مجموعه عظیمی از فهرست‌ها و متن‌ها و پژوهش‌ها به دستداران فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی عرصه کرده که دانش و کوشش و کارش او را به مرتبت دانشمندی جهانی رسانده است. اعتبار علمی جهانی دانش و شناختگی او در مجامع مربوط به مطالعات ایوانی و اسلامی و عربی مخصوصاً به سه کار بزرگ او است: یکی فهرست نگاری نسخه‌های خطی است اعم از فارسی و عربی و ترکی و گاهی اردو و کردی که او یک تنه کمأ و کیفاً کاری بیش از توانایی مرسوم و معمول برای یک فهرست نگار را انجام داده است و امروزه نتیجه کار سترگ او در سراسر جهان خاورشناسی، در همه کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ها دست مایه پژوهشگران است. و جز این در دنیای کنونی که کتاب‌شناسی و فهرست‌های مشترک مقامی والا و اساسی یافته است، محققان اسلامی ناچار از آنند که به فهرست‌های او بنگرند و حتی در روش‌های کامپیوتری فهرست نگاری مآخذ اسلامی، از کارهای او بهره‌ور شوند. کما این که به طور مثال



۹
سازمان اسناد و کتابخانه ملی

بنیاد فرهنگی انقلاب اسلامی که به کار ادغام فهرست‌های مختلف پرداخته، ناگزیر فهرست‌های ایشان را مورد استفاده قرار داده است. کار مهم دیگر دانش، تصحیح و طبع متونی است که هر یک به مناسبتی ضرورت داشته است به چاپ برسد و طبعاً بصیرت و اشراف او در شناخت نسخه هاست که با پشتوانه جامعیت علمی او موجب شده است مقداری از متون با ارزش فراموش شده به دسترس پژوهشگران بیاید.

سه دیگر پژوهش‌های منفرد اوست که بیشتر در زمینه‌های منطقی و فلسفی و کلامی و بررسی آراء و عقاید متفکران اسلامی انتشار یافته است و باید دانست که او در شناساندن کارهای ارسطو و فارابی و ابن سینا و ابن کمونه و ابن رشد و ابن میمون و غزالی و ناصر خسرو و خواجه نصیر و بابا افضل کاشانی و ملاصدرا و ملا محسن فیض و سی‌چهل دانشمند دیگر ازین رسته گفتارهای معتبری دارد که در مقالات و تحقیقات خاورشناسان استناد بدان‌ها شده است و می‌شود و برای ایران مایه مباهات است.

باز می‌گردم به زمینه فهرست‌نگاری او. این خدمت وسیع دانش تنها منحصر بدان نبوده است که به معرفی ظاهری نسخه‌ها پرداخته باشد. کار گران او در این است که با توجه ژرف و همه‌جانبه به آن چه در یکصد سال اخیر در غرب انجام شده و نیز عنایت و تجسس در ضوابط و شواهدی که در مآخذ خودمان و از میان اصل نسخه‌ها بر می‌آید قواعد و فنون فهرست‌نگاری را تثبیت کرده و حتی در مواردی تغییر داده و اسلوبی روشمند و متناسب را عرضه کرده است. او با توجه به مبانی فهرست‌نویسی از میان چهل پنجاه هزار نسخه متفاوت الشکل دقایقی را به دست آورده است که مبلغی از آنها پیش از این به نظر فهرست‌نگاران نیامده بود. مثلاً ذکر مشخصاتی از قبیل عرض، کراسه، اجازه، بلاغ مقابله، انهاء و یادداشت‌های مذکور در اول و آخر نسخه‌ها از قبیل بهای نسخه و طرز خریداری و تملک‌های متفاوت و مطالب دیگری از این دست. جزین، در معرفی متن و مطلب، در بسیاری از موارد آنچه او نوشته است هنوز آخرین تحقیق در احوال یا آثار فلان مؤلف تواند بود. قصد نهایی و اصلی دانش از نسخه‌شناسی رسیدن به مرحله کتاب‌شناسی و بالمآل متن‌شناسی است. نمونه کوشش‌های والایی که درین زمینه‌ها از او دیده می‌شود کتاب‌شناسی کتاب‌های موسیقی، فهرستواره فقه، فهرست‌های خاص کتب اخلاق و سیاست، ترسلات و منشئات (دبیری)، پیمان نامه‌ها، گنجوری و کتاب آرای است. درین گونه کتاب‌شناسی‌ها اغلب نظر ارزشیابی او مندرج است. شمار نسخه‌ها و مآخذ متنوع اساسی معرفی شده و مشخصاتی از مؤلف آمده و در حقیقت فهرستی است که سرگذشت نامه و کتاب‌شناسی در آن به هم آمیخته است، همان

چیزی که در اصطلاح فرنگی Bio Bibliography گفته می‌شود. دانش در مواردی که کیفیت نسخه یا اهمیت موضوع یا هویت مؤلف در مراجع و منابع دیگر نیامده باشد به تفصیل می‌پردازد و دامنه‌گیری فهرست را درست می‌داند. حقیقتاً بعضی از نوشته‌های او که در لایه فهرست‌هایش مسطورست و به عبارت بهتری گم گشته مانده (مانند بسیاری از نوشته‌ها در جلد سوم فهرست نسخه‌های اهدایی مشکوة به دانشگاه تهران که یادش به خیر باد) از پژوهش‌های پرارزش اوست. به طول مثال یاد می‌کنم از آنچه درباره صریح الملک، جمال الاسلام یزدی، مؤلف نامه همایون، یارستم الحکما و مؤلفات او به طور استطرادی در فهرس خود آورده است.

دانش در زمینه گردآوری نسخه‌های خطی، اعم از خریداری یا تهیه میکروفیلم از نسخه‌های پراکنده در جهان کوششی عجیب و وسیع کرد. سه جلد فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی که هم او آن را تألیف کرده نشانه‌ای است از کوشش سال‌های دراز درین راه و هدف. البته باید گفت که مرحوم مجتبی مینوی و استادم دکتر ذبیح الله صفا هم در تهیه میکروفیلم از کشورهای ترکیه و اروپا زحمات زیاد متحمل شده‌اند و یاد خیرشان نباید فراموش شود.

خدمت دیگر دانش، تدوین نشریه نسخه‌های خطی است که کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ناشر آن است. برای این که حقی از میان نرود و یادی از دانشمندی نسخه‌شناس به میان آمده باشد، باید عرض کنم که فکر تأسیس و نشر این نشریه در سال ۱۳۳۶ پیش آمد. زمانی که دکتر صلاح الدین المنجد کتاب‌شناس و دانشمند مشهور عرب مدیر وقت معهد المخطوطات العربیة در قاهره به دعوت ایران در تهران بود و می‌دانیم که هنوز هم منتشر می‌شود. یکی از روزها که با او و دانش در خیابان نزدیک باشگاه دانشگاه قدم می‌زدیم منجد به ما گفت ضرورت علمی ایجاب می‌کند در ایران هم نشریه‌ای که معرف نسخه‌های خطی کتابخانه‌های کوچک بی‌فهرست و اطلاعات مرتبط با نسخه‌ها باشد منتشر سازید تا اهل علم بدانند که در کتابخانه‌های پراکنده خصوصاً و عمومی کشور شما چه نقایسی مخزون مانده است. این مطلب را چند روز بعد به دکتر ذبیح الله صفا که در آن اوقات رییس اداره انتشارات دانشگاه بود عرضه داشتیم. ایشان بی‌تأملی فرمود مطالبی را که می‌دانید مفیدست گرد آورید و به من بدهید تا چاپ شود. اکنون شماره‌های نشریه به دوازده رسیده است و بی‌گمان هفتاد درصد صفحات آن مطالبی است که از زیر قلم دانش بیرون آمده و معرفی نسخه‌هایی است که او این جا و آن جا دیده بوده است، از جمله در کتابخانه‌های مختلف روسیه و اقمار آن و آمریکا و ممالک اروپایی. افسوس که این نشریه چند سالی است متوقف شده است.

خدمت دیگر دانش، همکاری در طرح فهرست نویسی نسخه های کتابخانه های شهرستان هاست که انجمن آثار ملی پیشین هزینه های آن را پذیرفته بود و سه جلد از آن مربوط به فهرست ده کتابخانه عمومی مشهد و رشت و همدان و چند کتابخانه خصوصی بود که در سلسله انتشارات فرهنگ ایران زمین منتشر شده است.

خدمت دیگر دانش، مشارکت در جلسات تقویم نسخه های خطی از جمله برای کتابخانه های مجلس های شورا و سنای قدیم و دانشگاه های تهران، همدان، مشهد و چند جای دیگرست و باید عرض شود که همیشه در آن جلسه ها، دیده ها متوجه آن بود که از زبان دانش شنیده شود آیا نسخه دیگری از نسخه عرضه شده در گوشه ای از جهان هست یا نیست. اگر هست از کدام قرن است و در مقام تطبیق میان نسخه عرضه شده و آن نسخ چه تفاوت ها وجود دارد تا بتوان برای ارزش مالی نسخه، معیارسنجی کرد. درباره توانایی شگفت آور و شکیبایی دانش در فهرست نویسی همین بس که گفته شود که فهرست های کتابخانه های مرکزی دانشگاه تهران و عده ای از دانشکده های آن و مدرسه سپهسالار را (که البته قسمتی با همکاری دکتر علی نقی منزوی انجام شده) در مدت ده سال به انجام رسانید و پس از آن مدت شش

همکاری تنی چند از فضلا از جمله آقایان دکتر محمدباقر حجتی و احمد منزوی سرانجام یافت. با همین پشت کار و دلبستگی بوده است که دانش پژوه سی چهل کتابخانه بزرگ و کوچک را فهرست کرده و فهرست های آنها را به چاپ رسانیده است.

زحمات و خدمات و تفکرات دانش در زمینه نسخه های خطی و فهرست نویسی بی گمان می تواند موضوع رساله ای در رشته کتابداری باشد که امیدوارم روزی صاحب وقوفی به این نکته عنایت کند.

گفتیم خدمت گرانقدر دیگر دانش، تصحیح و طبع متون کهن است. کوشش او همواره درین زمینه بر آن بوده است که نایاب ها، ناشناخته ها، گمشده ها، و بالاخره موثرها را چاپ کند. او با ذهن گوهرشناس و دانش جوهر خود توانسته است متونی را که حاوی آراء و عقاید فیلسوفان و متکلمان، اقوال و مقامات صوفیان و عرفان، مسائل و آثار ریاضی دانان و منطقیان، منشئات و مکاتبات مترسلان و دبیران، وقایع و حوادث مضبوط توسط مورخان و وقایع نگاران است، حتی رساله ها و مقاله ها و خطابه ها و بندهایی نظیر طاووس خانه اصفهان، تعداد قشون ایران در عهد شاه سلطان حسین، عطرنامه علانی، قوس نامه و بازنامه، اسب نوبتی بر در کاخ ابومسلم، نامه آفته ها به آشفته ها، کتاب شویان را به چاپ برساند که از هر یک نکته ای تاریخی یا مطلبی اجتماعی به



دست می آید. برای این که گوناگونی و دامنه گسترده کارش را نموده باشم درین فرصت کوتاه ناچارم نمونه شمار و فهرست وار مقداری از چاپ کرده های برجسته او را برشمارم. برای این که گوناگونی و دامنه گسترده کارش را نموده باشم درین فرصت کوتاه ناچارم نمونه شمار و فهرست وار مقداری از چاپ کرده های برجسته او را برشمارم. در معارف اسلامی (فقه و کلام و حدیث و ملل و نحل و فلسفه و حکمت) النکت الاعتقادیة، معتقدالامامیة، کسر اصنام الجاهلیة، النهایة، مختصر نافع، بحر الفوائد، النجاة، حکمت اشراق ریزی، شرح

شهاب الاخبار، جام جهان نما یا ترجمه تحصیل بهمنیار (با همکاری دانشمند گرامی آقای عبدالله نورانی).

در منطق: تبصرة ساوی و رسائل متعدد از عده ای دانشمندان پیشین. گران تر و جهانی تر از همه مجموعه سه جلدی المنطقیات فارابی است که در سال های اخیر موفق به انتشار آن شده است. در علوم و فنون: رسائلی از خواجه نصیر، دو رساله در آثار علوی، الاسرار و سرالاسرار رازی، تجارب شهریاری، یواقیب العلوم، نوادر التبادر.

در پزشکی: مفتاح الطب و دو بخش ذخیره خوارزمشاهی.

در عرفان و تصوف: روزبهان نامه، آثار درویش طبسی، مناقب الصوفیه.

در اخلاق و سیاست: اخلاق محتشمی، اخلاق ظهیری، الادب الوجیز، اخلاق نیشابوری، تحفه.

در تاریخ: بخش های اسماعیلیه جامع التواریخ و زبده التواریخ، مکاتیب رشیدالدین فضل الله همدانی، تاریخ الوزراء قمی.

برای این که بدانید اکنون چه می کند ترجمه قدیم الاحکام السلطانیة ماوردی (با همکاری چنگیز پهلوان)، نهایة العرب، بستان العقول زنگی بخاری، مجمل الحکمه (ترجمه رسائل اخوان الصفا)، مقامات بایزید بسطامی، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجتبی مینوی رازیر چاپ دارد.

دانش پژوه به مناسبت خدمات درخشان علمی در سال ۱۳۴۸ که پروفیسور فضل الله رضاریس دانشگاه بود، به مرتبت دانشیاری دانشگاه برگزیده شد و چندی نگذشت، آن که استاد بود، پیش از آن که بازنشسته شود عنوان استادی یافت. اما او تدریس دانشگاهی را در چند رشته حدود ده سال پیش از آن آغاز کرده بود و در این سال های دراز در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ادبیات و علوم انسانی درس گفته بود و خوشبختانه هنوز هم دانشجویانی چند از محضر پربرکت او بهره مندند.

ناگفته نمی توان گذاشت که گوشه ای از کوشش دانش در برگزیدن بعضی از متون پیشین برای چاپ، ارزشمندی زبان فارسی پر مایه آنها و احتوای هر یک بر مقداری کثیر از واژه های نایاب و فراموش شده ای است که همگی معشوقگان دانش پژوه اند. طرفه تر آن که هر چه دیرینگی و کهنی آنها بیش باشد، برای او پسند تر و بیش بهاترند. او همیشه به تاکید گفته است که بابه دست آوردن این گونه نوشته ها و تازه ساختن واژه های دیرینه در زبان کنونی، بر غنای زبان افزوده خواهد شد و در ساختن واژگان معادل برای مفاهیم جدید می توان از آنها سود جست. از شما بزرگواران که بردباری کردید تا یادداشتیم به پایان رسید، سپاسگزارم. امیدوارم همگی برای تندرستی و شادکامی این دانشمند کم مانند، که نامش در زمینه پژوهش های ایرانیان جهانی شده است، به درگاه پروردگار دعا کنید.



پی نوشت ها:

* دانش پژوه، دانشمند و فهرست نگاری جهانی، کلک، ش ۵۲/۵۱ (تیر ۱۳۷۳) ص ۱۵۵-۱۶۳.

* اکنون که این نوشته چاپ می شود به یاد آمد که به همین مناسبت بوده است که انجمن آسیایی فرانسه او را به عضویت افتخاری خود خوانده اند.